فهرست

[پیشگفتار 2](#_Toc103031378)

[عوامل تشدید کننده عقاب گناه 3](#_Toc103031379)

[صدور گناه از عالم 3](#_Toc103031380)

[معرفی کتاب 4](#_Toc103031381)

[چند پیشنهاد به مجامع روایی 4](#_Toc103031382)

[نکته کلیدی 5](#_Toc103031383)

[بحث تربیتی 5](#_Toc103031384)

[چند نکته 5](#_Toc103031385)

[مقصود از علم در روایات 6](#_Toc103031386)

[اقسام علم در روایات 7](#_Toc103031387)

[خلاصه مطلب 7](#_Toc103031388)

[یک نکته 7](#_Toc103031389)

[یک مطلب 7](#_Toc103031390)

[بیان چند روایت 8](#_Toc103031391)

**اعوذ بالله من الشیطان الرجیم**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**الحمد لله بجمیع محامده کلها علی جمیع نعمائه کلها، و الصلاة و السلام علی سیدنا و نبینا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا و شفیع ذنوبنا ابی القاسم المصطفی محمد و علی آله الاطیبین سیما بقیة الله فی الارضین**

**ربنا علیک توکلنا و الیک أنبنا و إلیک المصیر**

# پیشگفتار

بحثی که در این جلسات طرح شد عوامل و مولفه هایی که موجب تضاعف عقاب و اشتداد عقاب بر گناهان می شود عواملی که چاشنی گناهان می شود و با انضمام آنها با گناه به ترکیب انضمامی یا اتحادی ضریب عقاب و آثار زیانبار گناه بالا می رود.

گفتیم این مبحث به شکل پراکنده در منابع حدیثی و روایی ما وارد شده است از طرف دیگر در کتب اخلاقی باز جسته و گریخته به این موضوع پرداخته شده است و مرحوم ملا محسن فیض کاشانی رحمت الله علیه این مبحث را در حدائق خود که مفصل راجع این کتاب توضیح دادیم و آخرین کتابی است که این مرد بزرگ نوشته‌اند فصلی باز کردند و به پنج شش عامل اشاره فرموده اند. و اینجا و آنجا این مبحث مطرح شده است ما هم بر حسب تتبع و فحصی که داشته‌ایم این عوامل را تا بالای بیست محور به دست اوردیم چهار پنج محور آن سال قبل و امسال بحث شد

سال قبل آخرین جلسه حدود هفت محور فهرست‌وار پرداختیم.

موضوع هم مهم است دیروز به مناسبت ارتحال حضرت خدیجه کبری سلام الله علی‌ها بحث را قطع کردیم و صفحه دیگری از بحث را خیلی فهرست‌وار تقدیم کردیم و آن این بود که عواملی هم در نقطه مقابل هست که موجب افزایش ثواب بر طاعات و کارهای نیک می‌شود دیروز فهرست مجمل حاوی ده عنوان ذکر کردیم و اینها را تطبیق دادیم عمدتا بر زندگی حضرت خدیجه کبری که زندگی حضرت خدیجه کبری یک زندگی کاملا ممتاز و الگو بود و در ایشان لا اقل آن ده عنوان و خصوصیت ویژه می‌شد ذکر کرد که بحث دیروز بود.

یکی از دیگر از عوامل که زیاد با این عوامل انس داریم بعضی از این عوامل در فقه مطرح بود مثل اصرار بر صغائر منتهی اینجا از یک منظر عامتر اخلاقی و معرفتی مطرح شد

بعضی از عوامل در فقه کمتر مطرح بود و خیلی هم مهم بود که سال قبل بحث کردیم که استصغار الذنب و احتقار الذنب بود و این عامل هم از عواملی که با آن مانوس هستیم و من در این مجمع نورانی و خدمت فضلای بزرگوار و اساتید مطرح می‌کنم یادآوری است

# عوامل تشدید کننده عقاب گناه

## صدور گناه از عالم

عاملی که طرح خواهد شد خیلی مانوس هست صدور گناه از عالم است صاحب دانش و بینش اگر خطایی انجام داد درجات زیان و عقاب عمل او به تناسب درجه علم و دانش او افزایش پیدا می‌کند و اگر بحث دقیق فقهی هم بشود بعید نیست بگوییم اینجا اگر درجاتی از علم باشد موجب می‌شود صغائر به کبائر مبدل شود و کبائر از عقاب‌های بیشتر برخوردار شود

بنابراین علم و آگاهی به عنوان یک نعمت بزرگ الهی است ولی این می‌تواند اگر با گناه و خطا همراه شد عاملی بشود برای اینکه گناه عقاب بیشتری داشته باشد همه نعمت‌ها اینطور است نعمت گاهی تبدیل به نقمت می‌شود این انسان است که نعمت‌های الهی را مدیریت کند سوار بر نعمت‌ها باشد فرمان نعمت‌ها باید به دست انسان عاقل مختار آگاه بصیر باشد اگر فرمان از دست عقل بیرون رفت نعمت تبدیل به نقمت می‌شود این قانون عالم است.

این یکی از آن ۵ – ۶ عاملی است که مرحوم فیض در حدائق طرح کرده‌اند –دوستان را ترقیب کرده‌ام که کتاب حقایق را که در ۸۲ سالگی نوشته‌اند و اخرین کتاب ایشان است و ویژگی‌های آن را ذکر کردم مطالعه بفرمایید و دو سه صفحه اخر این کتاب را که ایشان با خدا راز و نیاز می‌کند بعد از ۸۲ سال عمری که عمده آن در مسیر ترویج معارف الهی و مبانی فقهی و حدیثی و کلامی و فلسفی اسلام مصروف شده است. آن دو سه صفحه خیلی جانسوز است و با خدا راز و نیاز کرده‌اند و همانجا می‌فرماید من آماده لقای الهی هستم- در این فصل ششم کتاب عنوان این است که الصغیره قد تکبر باسباب، منتهی ما این را تعمیم دادیم گفتیم اینها عواملی است که می‌تواند صغیره را به کبیره مبدل کند و همینطور در هر کبیره عقاب آن کبیره را بالاتر می‌برد.

ایشان اینجا شش عامل را ذکر کرده اند. آخرین این سبب‌ها این است و منها أن یکون المذنب عالماً یقتدی به و فإذا فعله بحیث یری ذلک منه… و هذه ذنوب یتبع عالم علیه فیموت و یبقی شره مستطیره و یتضاعف عقابه، این فرمایش ایشان است

منتهی ایشان به یک بعد اشاره کرده‌اند که توضیح خواهیم داد ایشان فعلاً اشاره کردند که عالم که گناه انجام می‌دهد و از او گناهی صادر می‌شود این سرایت می‌کند و موج تسری دارد و به خاطر این تسری امواج کاری که از عالم صادر می‌شود عقاب این عمل مضاعف می‌شود

با این مقدمات وارد سخن می‌شویم و به این مقوله بخواهیم توجه کنیم در مقدمه اشاره داشته باشم که بحث عالم و معلم و متعلم و نگاه و رویکردی که اسلام به مقوله عقل و علم و دانش دارد یک داستان مفصلی است وقتی به مجامع روایی خودمان بخصوص مجامع روایی شیعه مراجعه کنیم مستحضرید که کتابهای ما عمدتاً از کتاب عقل و الجهل و گاهی العقل و العلم و الجهل آن طور که در کتاب بحار مرحوم مجلسی آمده است شروع می‌شود گاهی العقل و الجهل است و گاهی العلم و الجهل است و گاهی جمع بین اینها هست به شکل‌های مختلفی در کافی و بحار و مجامع روایی ملاحظه می‌کنید که بحث روایی ما و روایات ما در تبویبی که اصحاب فرموده‌اند و محدثان و فق‌ها انجام داده‌اند از علم شروع می‌شود و مقوله عقل و جهل و علم و جهل در صدر مباحث روایی ما قرار گرفته است اصول کافی و بحارالانوار و وافی و امثال اینها که مراجعه کنید اولین مباحث علم است و ضمن آن مقوله عالم و متعلم و معلم و مسئولیت‌هایی که عالم دارد مباحث مفصلی است که آنجا مطرح می‌شود

در کتب اخلاقی هم راجع عالم و معلم و متعلم کتابهای زیادی نوشته شده است در بیست و پنج سال قبل یادم می‌آید در سلسله اراء متفکران مسلمان در تعلیم و تربیت یک طرحی بوده است که اجرا می‌شده است این کتابهایی که در طول تاریخ ما درباب تعلیم و تربیت نوشته شده است ملاحظه شده است و سیر آن بیان شده است

# معرفی کتاب

الآن در این دو بخش دو کتاب معرفی می‌کنم و وارد بحث بشوم. قبل از اینکه به این معرفی بپردازم باید یاد کنم از مرحوم آیت الله ری شهری که اخیرا مرحوم شدند و مقام معظم رهبری هم در پیامشان تکریم کردند ایشان شخصیتی است که چهل سال عمر را بر سر حدیث گذاشته است و کاملا رهاوردها و دستاورد‌های یک کار سنگین حدیثی و تبویب جدید حدیثی از ایشان ما سراغ داریم که میزان الحکمه کتاب مشهور ایشان است.

کار دیگری که انجام می‌دهند به عنوان معارف الکتاب و السنه هست این کار جدیدی در تبویب روایات هست که به هشتاد جلد می‌رسد تا الآن دوازده جلد حدودا منتشر شده است و در جلسه‌ای که خدمتشان بود به ایشان گفتم که این کار را شتاب بدهید یک کار تبویب جدید و کار نوعی و یک پردازش نوعی نسبت به روایات است و جامعه علمی ما نیاز دارد به این باز پردازش روایات در دنیای امروز گرچه همچنان بحار در دستمان هست و از بهترین تبویب‌های روایی بحارالانوار است.

اما این شکل پردازش و تجمیعی که دوستان با نظارت ایشان انجام دادند کار بسیار ارزشمندی است امیدواریم که تسریع بکنند و به پایان کار هشتاد نود جلد برسد انشاءالله.

طلب علو درجات می‌کنیم برای این شخصیتی که در کنار همه خدمات اجتماعی و سیاسی ارزشمندی که داشتند بخشی از عمر شریفشان را گذاشتند و علم و پرچم احیای حدیث و بازخوانی حدیث باز پردازش حدیث تبویب‌ها و تنظیم‌های جدید حدیث متناسب با دنیای امروز بر دوش گرفتند و شاید نمونه جامع آن کتاب معارف الکتاب و السنه بشود که بیش از هشتاد جلد می‌شود

# چند پیشنهاد به مجامع روایی

(داخل پرانتز بگویم ما از هم از دوستان دارالحدیث و هم از دوستان مرکز تحقیقات کامپیوتری نور این را مکرر خواسته‌ایم که دو سه کار را انجام بدهید یکی اینکه نرم افزارهای روایات شعیه را از هر انحصاری ازاد بکنید

سخن ما با مجامعی که با روایات کار می‌کنند این است که روایات شیعه -انحصار و حق تالیف را کار نداریم – که در کافی و مجامع روایی و بحار و کتب اربعه و سایر کتب هست باید دیجیتال و نرم افزاری کنیم و هم از قید انحصار خارج کنیم نسخه موبایلی هم تولید شود تا همه از طریق موبایل بتوانند به دریای روایات وصل بشوند.

کار دوم کاربست هوش مصنوعی است که برای بعد.

یکی هم اینکه به شکل نرم‌افزار جامع روایات شیعه را بیاوریم و متناسب و ذیل آن روایات عامه هم را بیاوریم که برای تحقیق می‌تواند استفاده بشود که این برای محققین است.)

در کار جامع مرحوم ایت الله ری شهری که باید ادامه پیدا بکند و تکمیل بشود بعضی از کتابها از قبل اماده شده است یکی این است این کتاب العلم و الحکمه فی الکتاب و السنه است که می‌شود این کتاب شریف به اضافه کتاب العقل و الجهل فی الکتاب و السنه این دو جلد کتاب تقریبا همه روایات شیعه و مقداری روایات عامه را در باب علم و جهل جمع کرده است در این مبحث خودمان بحار را دیدم کتاب‌های دیگر را دیدم و نهایتاً این را که نگاه کردم دیدم همه آن را در خود جمع کرده است و از جمله بحث ما را در چند فصل اخر این کتاب مورد توجه قرار داده است

بنابراین اگر روایات شیعه را در باب عقل و جهل و علم و جهل بخواهید جامع ببینید در این دو جلد کتاب آمده است

یکی هم درباب عالم و وظایف عالم و احکام عالم هم علی رغم کتابهای فراوانی که نگارش شده است به گمانم همچنان منیة المرید مرحوم شهید هنوز هم زنده است و جامع‌ترین کتاب است مرحوم شهید که قبل از شصت سالگی به شهادت رسیدند با آن وضعی که در باب شهادت مستحضر هستید واقعا شهید ثانی از نوابغ روزگار بود آثار گوناگون ایشان همچنان بر فقاهت و علوم حوزوی ما سایه افکنده است و عاقبت ایشان به شهادت رسیدند

# نکته کلیدی

این کتاب ایشان یک کتاب استدلالی کامل نیست ولی می‌شود گفت نسبتاً اجتهادی در باب اداب المفید و المستفید خیلی جالب است برای عالم و معلم و متعلم احکام و ادابی ذکر کرده است و اوایل کتاب این نکته را می‌فرماید ما خیلی باز کردیم اداب معلم این است آداب متعلم این است و آداب مشترک و مختص حدود سیصد قاعده و اصل در این کتاب و نظام تعلیم و تربیت اسلامی وارد شده است اما در اوائل می‌فرماید دو تا مهمتر است

اول اخلاص و دوم اینکه عالم به علم خود عمل کند و پایبست دانسته‌های خود باشد می‌فرماید همه آنچه که بعد می‌گوییم به این یک قانون بر می‌گردد

# بحث تربیتی

## چند نکته

۱- اینکه می‌گوییم عالم وقتی که به گناهی لا سمح الله مبتلا شد عقاب او مضاعف می‌شود به تبع درجه علم او نوع گناهی که مرتکب می‌شود و شرایطی که در آن گناه مرتکب می‌شود مقصود در اینجا چیست؟ مقصود این است که اگاه به این حکم الهی است یا چیز دیگری است؟

سخن اول این است که منظور از عالم، عالم به حکم خدا نیست کسی که می‌داند فلان علم غصب یا ایذاء دیگران یا اسراف در حدودی حرام است در امور فردی و اجتماعی اینکه اگر نداند معذور است چون علم شرط تنجز تکلیف است باید عالم باشد به حکم و به موضوع تا حکم برای او منجز بشود علم از شرایط عامه است برای تنجز تکلیف و لذا این علم مقصود نیست این که هر کسی وقتی مبتلا به گناه می‌شود که عالم باشد به اینکه این خمر است و مشروب الکلی است و حکم خدا را هم بداند و الا اگر جاهل باشد و جهل تقصیری باشد ملحق به حکم است و اگر جهل قصوری باشد معذور است این مقصود نیست

## مقصود از علم در روایات

مقصود از علم در روایاتی که می‌فرماید عقاب عالم مضاعف است و مشدد و… مقصود اولیه نیست که انسان بداند بلکه مقصود درجه‌ای بالاتر از این علم است مقصود این است کسی به اسرار آن و به فلسفه آن حکم اگاهی دارد و گاهی ندارد یک وقت کسی از چراغ قرمز عبور می‌کند و اصلا اشنا نیست که عبور از چراغ قرمز چه مفاسدی به بار می‌آورد می‌داند خطا است و ممنوع است اما آشنایی با اعماق مسئله ندارد این گناهش در یک حد است اما کسی که می‌داند و فراتر از آن آگاه به این است که چه مفاسدی به این حریم‌شکنی قانون اجتماعی مترتب می‌شود این دومی مقصود در بحث ما هست. یعنی عالمی که فراتر از کف علم به حکم و موضوع آگاهی و آشنایی دارد و عالمی که دانش او نسبت به معارف الهی یک عرض عریضی دارد فقیه و عالم و درس خوانده است احکام و مسائل و معارف را می‌داند این یک نکته

اگر گناه انجام بدهد عقاب او را افزایش می‌دهد مقصود آن علم اولیه به حکم و موضوع نیست اگر نباشد عقابی در کار نیست مقصود به علم‌های تکمیلی است که این هم دو محور کلی دارد یکی اینکه علم به آن اسرار و ابعاد و زیان‌های گناه است و یکی هم علم به منظومه‌ای از معارف اعتقادی و اخلاقی و فقهی اسلام است

۲- انکه مسئولیت انسان غیر از بحث علم تابعی از درجه هوش و استعداد انسانهاست که تکالیف به قدر عقول است عقل معانی متعددی دارد و ملا صدرا در شرح اصول کافی خیلی بحث کرده است شاید واژه عقل در روایات و اصطلاحات بیش از ده معنا و مفهوم برسد در این روایات که می‌فرماید تکلیف انسانها به قدر عقل و فهم آن‌ها هست بعید نیست که عقل در اینجا همان معنای استعداد و ضریب هوشی و درک آدم‌ها باشد بنابراین درک آدم‌ها چیزی است که آن هم موثر است آدمی که فهم کمتری دارد مسئولیت کمتری دارد و خطایی هم که انجام می‌دهد درجه کمتری از زیان و عقاب را دریافت می‌کند اما اگر هوش بالاتری دارد مسئولیت بیشتر و در نتیجه گناه او عقاب بیشتری دارد و لذا آن‌ها که نخبه هستند استعداد بیشتری دارند ضمن انکه باید شکر بیشتر خدا را بکنند باید بدانند که در خطرهای بیشتر هم قرار دارند این فرزانگی و هوش بیشتر و استعداد و نخبگی یک نعمت است ولی یک اخلاق مهمی هم دارد.

به دوستان نخبگان می‌گوییم شما نظام فرزانگی و اخلاق نخبگی و نگاه و رویکرد نخبگی را کار کنید ما جامعه بزرگی از نخبگان در دانشگاه و حوزه و مجامع علمی داریم این جامعه یک سرمایه بزرگ است که این سرمایه‌ای است که باید مطابق یک نظام دقیق اخلاقی و اخلاق فرزانگی و نخبگی تربیت بشود و خود نخبگان باید به این توجه کنند بنابراین استعداد درجه فهم و امکاناتی که برای شناخت و فهم در اختیار انسانها و بچه‌ها و خانواده‌ها و افراد و اشخاص است آن موثر در درجه مسئولیت آن هاست و در نتیجه در درجه عقابی که بر گناه آن‌ها مترتب می‌شود آدم باهوشی که می‌تواند بفهمد یک جور خدا با ایشان برخورد می‌کند تا آدمی که استعداد پایین دارد.

بنابراین وقتی می‌گوییم عقاب صاحبان علم بیشتر است همگامی که مبتلا به گناه بشوند چه در امور فردی و چه در امور اجتماعی مقصود دو چیز است

یکی ضریب استعدادی و هوشی و امکاناتی که در دست انسان است این موثر در ضریب مسئولیت و ضریب عقاب و ضریب ثواب، دو آن دانش فعلیت یافته فراتر از آن اصل است که بدون اینکه حکم را بداند یعنی دانشی که در حوزه‌ها پیدا می‌شود در مجامع پیدا می‌شود آن هم یک عامل دیگر است آن استعداد یک، علم به معارف الهی دو، این دو شاخص است که مسئولیت آدم را بیشتر می‌کند و در نتیجه عقاب گناهان او هم افزایش پیدا می‌کند.

## اقسام علم در روایات

از همین جا یک نکته دیگر منتقل می‌شویم و آن اینکه علم در روایات ما به احتمال قوی ضمن اینکه اصطلاحات متعددی که دارد به دو معنای خیلی کلی تقسیم می‌شود

۱- علم به معنای عامی که شامل علوم طبیعی و زیستی و همه علوم بشری می‌شود

۲ - ولی یک علم داریم که علم الهی است و در اینجا البته هر دو مسئولیت را اضافه می‌کند اولی به خاطر اینکه نعمت بیشتری از خدا دارد ضریب فهم و هوش بیشتری دارد و لذا مسئولیت او اضافه می‌شود اما علم دومی که علم الهی است و آشنایی با اعتقادات و معارف الهی و احکام و شریعت الهی است این در یک درجه بالاتری مسئولیت می‌آورد و عقاب اینها بالاتر است در گناهان.

# خلاصه مطلب

۱- هم استعداد که اکتسابی هم عمدتا نیست و امکانات شناخت و فهم و چه اکتسابی و چه غیر اکتسابی این مسئولیت را اضافه می‌کند و به درجه‌ای که دارد عقاب گناه این آدم‌ها را افزایش می‌دهد

۲- علم اصولا علم فعلیت یافته که شخصیت فرد را بالا آورده است مسئولیت را بالا می‌برد عقاب در گناهان او هم افزایش پیدا می‌کند

۳- اینکه علوم الهی مسئولیت‌ها را به مراتب آکد اضافه می‌کند

# یک نکته

میزان علم انسان با آن گناه ارتباط دارد هر چه علم بالاتر گناه بدتر و همینطور گناهی که انجام می‌دهد متفاوت است

# یک مطلب

مرحوم ملا فیض کاشانی در اخرین عامل از عوامل تخریب کننده شخص و مضاعف کننده عقاب آدم‌ها در گناهان علم آورد فرمود اگر عالمان مبتلای به ریا شدند و مبتلا به فساد شدند عقاب آن‌ها چند برابر خواهد شد منتهی تأکید ایشان روی آن بُعد تسری است بعد الهام بخشی و الگوسازی و تسری به دیگران است. سخن ما این است که در این جا دو فلسفه وجود دارد در این بیست عامل هفت هشت ده عامل عقاب را مضاعف می‌کند به دلیل اینکه شخصیت فرد در مقابل خدا طوری است که حریم را بیشتر می‌شکند وقتی گناه را کوچک می‌شمارد وقتی که تجاهر می‌کند وقتی که رضایت دارد التذاذ دارد ابتهاج دارد و افتخار دارد در این عوامل فرد است و خدای خود و مرزهای مولویت خدا را زیر پا می‌گذارد ولو احدی او را نبیند اینجا تخطی از آن مرزهاست ولو کسی هم در عالم نباشد

فلسفه دوم در بعضی از این علل و عوامل این بود که کار فرد موج دارد همین که پدر کاری را انجام داد مسئول انجام داد عالم انجام داد و در مرئا و منظر قرار گرفت دیگران از او یاد می‌گیرند به این دلیل عقاب او مضاعف می‌شود حالا در علما عالمان به دین صاحبان معارف الهی هر دو می‌تواند جمع بشود اگر این عالم در خلوت گناه می‌کند گناه او چند برابر است صغیره او ممکن است کبیره بشود وقتی هم که این عالم در مرئا و منظر انجام داد به دلیل اینکه جامعه روی او حساب می‌کند الگو می‌سازد عقاب او مضاعف می‌شود این اجتماع دو عنوان هم ذات علم مسئولیت را افزایش می‌دهد و گناه را بدتر می‌کند تا جایی که گاهی ممکن است حسنات الابرار سیئات مقربین می‌شود و هم اینکه گاهی در اجتماع می‌آید افزون بر آن یک عنوان دیگر پیدا می‌شود مرحوم ملا محسن فیض کاشانی فقط به دومی اشاره کردند عالم اگر در مرئا و منظر کاری را انجام داد و گناه و خطایی انجام داد از دو جهت تضاعف دارد در خلوت از یک جهت.

# بیان چند روایت

(این روایات در کتاب العلم و الحکمه است در چند باب اخر این کتاب شریف است)

۱- یک روایت این است که این روایت از عامه است از کنز العمال و حیلة الاولیاء است که رسول خدا فرمودند ﴿**إنّ اللَّه تعالى يعافي الامّيّين يوم القيامة مالا يعافي العلماء**﴾ خداوند در قیامت از کسانی که سواد و کمال علمی زیاد ندارند در می‌گذرد و می‌بخشد به اندازه‌ای که هرگز آن را در ارتباط با علما انجام نمی‌دهد.

۲- این روایت هم از کتب عامه است ﴿**إنّ اللَّه يُغْفَرُ لِلْجَاهِلِ أربَعینَ ذَنْباً قَبْلَ أَنْ يُغْفَرَ لِلْعَالِمِ ذَنْباً وَاحِداً**﴾ روز قیامت چهل گناه یک فرد را می‌گذرد قبل از اینکه یک گناه عالم را تمام بکند

۳- این کتاب از کافی شریف است و سند قابل قبولی هم دارد که امام صادق علیه السلام اینجور فرموده‌اند این را امام در چهل حدیث هم می‌خواندند در جاهای مختلفی از فرمایشات امام این تکرار شده است ﴿**يُغْفَرُ لِلْجَاهِلِ سَبْعُونَ ذَنْباً قَبْلَ أَنْ يُغْفَرَ لِلْعَالِمِ ذَنْبٌ وَاحِد**[[1]](#footnote-1)﴾ آنجا چهل تا بود اینجا هفتاد تا هست می‌گوید هفتاد گناه آدم‌های متعارف و معمولی بخشیده می‌شود قبل از اینکه یک گناه عالم بخشیده شود شمول شفاعت و عفو و بخشش گناه نسبت به ادمهای متعارف هفتاد مرتبه بیشتر است البته این مضمون از همه روایاتی که در باب علما ذکر شده است قابل استفاده است اما اینها طایفه خاصه‌ای هستند که تصریح به این امر می‌کنند

۴- این روایت از رسول خداست که این روایت هم در خصال صدوق آمده است و هم در کافی آمده است بارها هم اینجا گفتیم که کتب مرحوم صدوق، غرر کتب روایی ما هست به خاطر آن تبویب‌های زیبایی که ایشان دارد فرمود رسول خدا که ﴿**إِنَّ أَهْلَ النَّارِ لَيَتَأَذَّوْنَ مِنْ رِيحِ الْعَالِمِ التَّارِكِ لِعِلْمِه**‏[[2]](#footnote-2)﴾ اهل بهشت از گند عالم سوء و عالم بد در عذاب هستند.

۵- و روایات متعدد دیگری که در غرر آمده است ﴿**زَلَّةُ الْعَالِمِ تُفْسِدُ عَوَالِم**‏[[3]](#footnote-3)﴾ ﴿**زلّة العالم كبيرة الجناية**[[4]](#footnote-4)﴾ ﴿**لا زلّة أشدّ من زلّة العالم**‏[[5]](#footnote-5)﴾ بنابراین علم یک نعمت است اگر این علم همراه آن خودسازی نشود آن خودسازی که بزرگان داشته‌اند.

این اخرین درس اخلاقی که مرحوم شهید صدر به عربی دارند آن را پیدا کنید و متن عربی را گوش کنید دوستانی که عربی را می‌دانند، ببینید او عالم است شهید صدر عالمی است که دنیا را به نور خود روشن می‌کند و از این مهلکه‌ها نجات پیدا کرده است ایشان می‌فرماید که با چه گریه‌ای آن‌هایی که پای درس ایشان هستند و از درس ایشان استفاده می‌کنند می‌فرماید آیا ما جای هارون الرشید نشستیم آن دنیا به ما عرضه شد و ما به آن پشت کردیم یا اینکه ما دستمان نبود؟ باید این را محاسبه کنیم

هل عُرضَت الدنیا هارون الرشید علینا، اگر عرضه شده بود ما مرد چه میدانی بودیم. همین یک عاملی که مربوط به علماست کافی است که ما را بیدار بکند و ما را هوشیار بکند اختصاص به حوزه هم ندارد همه انهایی که با معارف دین آشناتر هستند مشمول این هستند منتهی عالمان دین و حوزویان بیش از دیگران آن هم در شرایطی که امروز انقلاب اسلامی است.

1. - کافی ، ج 1، ص 47 [↑](#footnote-ref-1)
2. - کافی ، ج 1، ص 44 [↑](#footnote-ref-2)
3. - غرر الحکم ، ص 47 [↑](#footnote-ref-3)
4. - غرر الحکم، ص 392 [↑](#footnote-ref-4)
5. - غرر الحکم، ص 777 [↑](#footnote-ref-5)